

شفا از منظر قرآن

محمود غلامرضا میرزایی

چکیده

طب سنتی پایه گذار طب نوین موجود، قدمتی چندین هزار ساله و سابقه‌ای دیرینه به قدمت عمر بشر دارد و چینیان از حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد سنگ نوشته‌هایی در مورد طب سنتی دارند. علیرغم اینکه طب جدید امروزه جهان شمول می‌باشد ولی در هر جای آن ردپایی از طب سنتی مشاهده می‌شود به خصوص اینکه داروها اکثراً ریشه گیاهی دارند. انسان‌های متفکر و فیلسوف به‌عنوان پزشک، پیش‌کسوتان این طب بوده‌اند و با آمدن ادیان الهی، پیام‌آوران این ادیان خود جایگاه طبیب را نیز داشته‌اند. قرآن که کامل‌ترین راهنمای بشریت و علی‌الخصوص مسلمین می‌باشد در چندین مورد از سلامتی و درمان به‌عنوان «شفا» یاد کرده است. درمان جزئی از شفا و جهت گرفتن شفا مهمترین شرطش داشتن ایمان و اعتقاد راسخ به دین مبین اسلام و قرآن است و این اساس طب نبوی یا طب اسلامی می‌باشد. چرا که ارتباط تنگاتنگی بین روح و جسم آدمی از نگاه دینی وجود دارد. در علوم پزشکی جدید هم داشتن اعتقاد به درمان و بهبودی (شفا) و پزشک، جزء اصول اولیه درمان توصیه می‌شود. کما اینکه بقراط می‌گوید: پزشکان بایستی بیماران را از نیروی درونی خودشان آگاه نمایند تا آنها از درد رهایی یابند. این نیروی درونی چیزی به جز اعتقاد و ایمان نیست. لذا به قرآن ایمان واقعی داشته باشیم که شفادهنده هر دردی است و دارو و پزشک تنها وسیله این شفا می‌باشند و داشتن باورهای مذهبی قوی می‌تواند منجر به کاهش مرگ و میر بیماران و بالا بردن میزان سلامت جامعه باشد.

واژگان کلیدی

قرآن؛ آیه؛ شفا؛ ایمان.

شفا از منظر قرآن

طب سنتی برخلاف سایر علوم که بعضاً جدید و نوبه حساب می‌آیند، سابقه‌ای دیرینه، به قدمت عمر بشریت دارد. بزرگان طب سنتی آنقدر آگاهی و قدرت علمی داشتند که اغلب تصویری فوق بشری را تداعی می‌نمودند. در طب سنتی به انسان به‌عنوان یک موجود کلی و یک کلیت نگریسته می‌شود، پس درمانش هم کلی و عمومی خواهد بود. در این طب به اخلاط چهارگانه (خون، بلغم، سودا و صفرا) توجه می‌شود که مجموعه فوق باعث تشخیص و درمان بیماری می‌گردد. پس از آمدن تدریجی ادیان الهی هر کدام از پیغام‌آوران این ادیان خود جایگاه والای طبیب را هم داشته‌اند. چرا که از ذات الهی تغذیه و توان می‌گرفته‌اند. قرآن مجموعه‌ای عظیم و بی‌همتا، دارای نکات ظریفی من جمله در رابطه با بهداشت و سلامت انسان است که در چند جای قرآن با کلمه «شفا» نام برده شده است. اصل و اساس مداوا در مرحله اول استفاده از قرآن و سپس از داروهای طبی است. این قاعده برای بیماری‌های روحی و جسمی هر دو صادق است. قرآن برخلاف طب امروز بیماری‌های جسمی و روحی را از یکدیگر جدا نساخته، بلکه علاوه بر بیماری‌های جسمی (بقره، ۱۸۴، توبه، ۹۱، نور، ۶۱، فتح، ۱۷) به بیماری‌های روحی نیز پرداخته است (بقره، ۱۰، توبه، ۱۲۵، احزاب، ۳۲ و ناس). این قیم می‌گوید: قرآن سراسر شفاست برای تمام بیماری‌های جسمی و تمام دردهای دنیوی و اخروی. البته نبایستی از گفته فوق این مطلب برداشت شود که دارو و بیمارستان بی‌خاصیت می‌باشند بلکه دارو، بیمارستان و طبیب وسیله‌ای از اسباب شفا می‌باشند و براساس آیه ۴۴ سوره فصلت شرط بهره‌مندی از هدایت و شفای قرآن، ایمان است. به‌طوری‌که در بعضی کتب نیز شرایط شفا و درمان منجمله قصد قربت، اعتقاد پاک و عمیق، طهارت، مداومت در قرائت قرآن، نبودن معصیت در حاجت

(رضایی، ۱۳۸۲) آمده است و مجموعه این شرایط به جز اعتقاد و توکل بر چیز دیگری دلالت نمی‌کند.

شفا از منظر قرآن

طب سنتی برخلاف سایر علوم که بعضاً جدید و نو به حساب می‌آیند، سابقه‌ای دیرینه، به قدمت عمر بشریت دارد. به طوری که چینیان شروع طب سنتی را از دوره پارینه سنگی می‌دانند و اعتقاد دارند که از حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح سنگ‌نوشته‌هایی در مورد گیاهان دارویی و درمان با طب سوزنی دارند (کویانگ، زیائومن، ۱۹۹۳). چینیان اعتقاد به دو نیروی (سرما، زوال، نیستی، تاریکی)^۱ و (گرما، صعود، حیات و روشنایی)^۲ دارند که این دو اساس انرژی هستی (qi) می‌باشند. این دو نیرو با یکدیگر در مقابله می‌باشند و توازن این دو باعث حیات می‌شود (کویانگ، زیائومن، ۱۹۹۳). دو نیروی فوق دقیقاً معادل سیستم‌های سمپاتیک و پاراسمپاتیک در طب جدید می‌باشند. به طوری که تفوق هر کدام باعث نیستی می‌گردد. (آدامز، ۲۰۰۱). به هر حال طبابت شاید در ابتدا به صورت اوراد و دعا بوده است و سپس کم‌کم به خاصیت گیاهان توسط افراد متفکر پی برده شده و تجویز گردیده است و در طب امروز هم به‌طور معمول از داروهای جدید استفاده می‌نماید. با کمی دقت مشخص می‌شود که اکثر این داروها ریشه گیاهی دارند. بزرگان طب سنتی آنقدر آگاهی و قدرت علمی داشتند که اغلب تصویری فوق بشری را تداعی می‌نمودند. کما اینکه هنوز هم برای پزشک ارزشی والا تصور می‌شود. نوآوران و نوابغی چون بقراط، جالینوس، ابوعلی سینا، جرجانی... که هر یک ضمن طبیب بودن فیلسوف هم به‌شمار می‌آمدند، از این گروه هستند. (ابوالحییب). در طب سنتی به انسان به‌عنوان یک موجود کلی و یک کلیت نگریسته می‌شود،

پس درمانش هم کلی و عمومی خواهد بود. در این طب به اخلاط چهارگانه (خون، صفرا، بلغم و سودا) که دوتای اول طبع گرم و دو تای دوم طبع سرد دارند، توجه می‌شود و در این نوع طبابت مجموعه فوق باعث تشخیص و درمان بیماری می‌گردد (ابوالحییب).

از انسان‌های متفکر و فیلسوف به‌عنوان پزشک نام برده شده، لذا پس از آمدن تدریجی ادیان الهی هر کدام از پیغام‌آوران این ادیان خود جایگاه والای طبیب را هم داشته‌اند. چرا که از ذات الهی تغذیه و توان می‌گرفته‌اند. به خصوص خاتم آنها محمد امین (ص) که آخرین و کامل‌کننده ادیان الهی بوده است. ایشان مبلغ دینی کامل و جامع از هر حیث به اسم اسلام می‌باشند و مهمترین و بزرگترین معجزه ایشان کتاب قرآن می‌باشد که از طرف خداوند به ایشان ابلاغ شده است.

قرآن مجموعه‌ای عظیم و بی‌همتا و به‌عنوان راهنمای بشریت برای تمام اعصار می‌باشد و دارای نکات ظریفی من جمله در رابطه با بهداشت و سلامت انسان است که در چند جای قرآن با کلمه «شفا» نام برده شده است. (یونس، ۵۷، اسراء، ۸۲، فصلت، ۴۴، شعراء، ۸۰).

مبحث دوم این مقاله اشاره‌ای به شفا که درمان جزئی از آن است به صورت اختصار آورده می‌شود.

اصل و اساس مداوا در مرحله اول استفاده از قرآن و سپس از داروهای طبی است. این قاعده برای بیماری‌های روحی و جسمی هر دو صادق است و اینکه بعضی ادعا می‌کنند که قرآن در درمان بیماری‌های روحی مؤثر و جهت درمان بیماری‌های جسمی بایستی فقط به دارو متوسل شد غلط می‌باشد چرا که قرآن پزشک دل‌ها و مایه سلامتی جسم و روح و شفای آن است (ابن تیمیه، ابل الصیب، امام نووی، الحصن الواقی). همچنان که مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان هم

چنین اعتقادی داشته است. (مجمع البیان)

قرآن برخلاف طب امروز بیماری‌های جسمی و روحی را از یکدیگر جدا نساخته، بلکه هم به بیماری‌های جسمی (بقره، ۱۸۴، توبه، ۹۱، نور، ۶۱، فتح، ۱۷) و هم به بیماری‌های روحی پرداخته است (بقره، ۱۰، توبه، ۱۲۵، احزاب، ۳۲ و ناس).
به این آیه شریفه توجه شود: ﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (اسراء، ۸۲) یعنی: و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مومنان نازل می‌کنیم. آوردن کلمه شفا به جای دواء جای بسی تأمل دارد زیرا که از شفا نتیجه کامل ولی با دارو امکان شفا نیافتن و عدم بهبودی ممکن است. پس قرآن طبق این آیه شفا است نه دارو و اثر شفابخش آن قطعی است. (جوادی آملی)

ابن قیم می‌گوید: قرآن سراسر شفاست برای تمام بیماری‌های جسمی و تمام دردهای دنیوی و اخروی. تا آنجا که می‌گوید: هیچگونه درد و بیماری وجود ندارد مگر آنکه در قرآن برای علاج آن راهنمایی شده است. (زادالمعاد)

﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد. (شعراء، ۸۰)

البته نبایستی از گفته فوق این مطلب برداشت شود که دارو و بیمارستان بی‌خاصیت می‌باشند بلکه دارو، بیمارستان و طبیب وسیله‌ای از اسباب شفا می‌باشند (زادالمعاد) و لذا با الهام از قرآن کریم که مشتمل بر شفای تن و روان است از زمان پیامبر طریقه خاصی در علم طب پدید آمد که بنام طب‌النبی یا طب‌النبوی معروف گردید و در طول قرون، آثار بسیاری براساس این طریقه پزشکی تألیف شد که نخستین آنها مجموعه روایات نبوی درباره طب جسمانی و روحانی است که امام رضا (ع) آن را فراهم کردند و بعداً علمایی چون ابونعیم اصفهانی و دیگران ادامه دادند.

و اما شرط بهره‌مندی از شفا چیست؟

آیه ۴۴ سوره فصلت ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيًّا...﴾ ترجمه و توضیح آیه:

یا محمد این قرآن را بزبان عرب بر تو نازل کردم (همان‌طور که به پیغمبران سابق هم به لسان قوم خودشان کتاب نازل کرده‌ایم) به جهت عرب بودن قوم تو. باید حقیقت آن را درک کرده ایمان می‌آوردند با این همه ایمان نیاوردند. اگر قرآن را به زبان عجم قرار می‌دادیم بیشتر از این انکار کرده به یقین می‌فتند چرا آیات این کتاب به زبانی که ما بتوانیم درک کنیم بیان نشده است؟ چگونه است که خود عرب باشیم کتاب ما به زبان عجم نازل شود به چنین کتابی ایمان نمی‌آوریم (مشرکین دنبال بهانه می‌گردند و به هر زبان که بر آنها کتاب نازل شود ایمان آورنده نیستند) به مشرکین بگو اشخاصی که به قرآن ایمان آورده‌اند قرآن برای آنها هدایت‌کننده به راه حق و شفاء است. اشخاصی که ایمان نیاورده‌اند در گوش‌های آنها از شنیدن حق سنگینی و در چشم‌هایشان کوری و لذا چشم دیدن قرآن را ندارند و غیر مؤمنین قرآن را از راه دور ندا می‌کنند و صدای ندا را نمی‌شنوند (صادق نوبری، ۱۳۴۸).

کوتاه‌ترین پیامی که از آیه مبارکه فوق دستگیر انسان متفکر می‌شود این است که شرط بهره‌مندی از هدایت و شفای قرآن ایمان است و قطعاً چنانچه ایمان نداشته باشیم شفا و هدایت مقدور نیست جهت نتیجه‌گیری بهتر حدیثی از پیغمبر اکرم آورده می‌شود: کسی که لااقل هر ماه یکبار عسل بخورد و شفایی را که قرآن از آن یاد کرده بطلبد خدا او را از ۷۷ نوع بیماری شفا می‌بخشد. (رضایی، ۱۳۸۲).

آیه شریفه فوق و حدیث نبوی آورده شده و اشاره‌ای به مضمون شعر معروف

مولوی:

گر خدا خواهد نگفتند از بطر

پس خدا بنمودشان عجز بشر

(مثنوی مولوی - دفتر اول)

دلالت بر یک اصل و آن ایمان به ذات مقدس پروردگار و خواسته‌ها و نخواستگی‌های ایشان است.

بایستی به قرآن اعتقاد داشت که آن هم شفا دهنده کامل می‌باشد. اگر چنین اعتقادی به وجود آید، هر آیه آن دارویی است برای همه دردها.

در بعضی کتب شرایط شفا و درمان من جمله قصد قربت، اعتقاد پاک و عمیق، طهارت، مداومت در قرائت، نبودن معصیت در حاجت (رضایی، ۱۳۸۲) آمده است و مجموعه این شرایط به جز اعتقاد و توکل بر چیز دیگری دلالت نمی‌کند.

بالاخره چنانچه کسی از دردی به پیغمبر (ص) پناه می‌برد به او گفته می‌شد که به قرآن پناه ببر که خداوند در قرآن فرموده: ﴿وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ...﴾ (یونس، ۵۷) ولی بایستی شرط این پناه بردن را آموخت.

من حقیر در طول عمر طبابت ۲۵-۶ ساله ام اعم از پزشک عمومی یا متخصص به این نتیجه رسیده‌ام که دارو وقتی مؤثر است که بیمار به پزشک خود اعتماد داشته باشد. به عبارت دیگر مهم نیست که برای تسکین درد بیمار، چه دارویی به او می‌دهیم. مهم این است که بیمار چقدر به تجویز کننده دارو اعتقاد داشته باشد. گاهی دارویی که مسکن نبوده است، با جلب اعتماد بیمار به عنوان مسکن به او داده شده و اثر تسکینی قابل توجهی هم داشته است.

قسمت سوم بحث بررسی شفا از دیدگاه اسلامی - قرآنی و ارتباط آن با علوم جدید می‌باشد. این قسمت بحث کمی تخصصی‌تر و احتمالاً خسته کننده است و امیدوارم که بتوانم در حد توان از عهده آن برآیم و تحفه‌ای هر چند ناچیز تقدیم نمایم.

در ابتدای بحث اشاره‌ای کوتاه به دو سیستم خودکار بدن داشتیم، سمپاتیک و پاراسمپاتیک. سیستم اول اورگانسم را در جهت پرکاری، تلاش، جنگ و گریز، بی‌خوابی، ... و سیستم دوم در جهت رخوت، بی‌حالی، خورد و خواب و آرامش پیش می‌برد. غلبه سیستم اول باعث بیدار شدن از خواب و به‌عبارتی مقاومت در مقابل مرگ و دومی در جهت خواب و آرامش هدایت می‌نماید. جدال همیشگی بین این دو سیستم وجود دارد و توازن این دو باعث زندگی معمول می‌شود. (آدامز، ۲۰۰۱) علی‌رغم اینکه این دو سیستم به‌طور خودکار انجام وظیفه می‌نمایند. ولی اراده و خواست انسان و دیگر حیوانات می‌تواند در کار این دو دخالت‌هایی داشته باشد. مثلاً گربه اگر تصمیم جنگ با گربه یا حیوانی دیگر را داشت چنانچه زخمی شود، خون‌ریزی چندانی پیدا نمی‌کند (عروق در این حالت با داشتن آدرنالین بیشتر تنگ و خون‌ریزی سریعاً بند می‌آید) و یا در موقع دعوی انسان رنگ صورت وی پریده می‌شود (خون به قسمت‌هایی از بدن بیشتر می‌رسد که بایستی حالت تهاجمی و دعوا را حفظ نمایند مثل عضلات) (آدامز، ۲۰۰۱). مثال دیگر اینکه در شرایط اضطراب و ناراحتی شدید بی‌خوابی عارض می‌شود.

مجدداً به اصل بحث برگشته و نکاتی را یاد آور می‌شویم:

بقراط^۳ که از فیلسوفان به‌نام می‌باشد می‌گوید: پزشکان بایستی بیماران را نسبت به نیروی داخلی خودشان آگاه نمایند تا آنها از درد رهایی یابند (کاپلان و ساووک، ۱۳۸۲).

نکته دیگر مسئله تلقین است. به این صورت که به بیمار اعتماد دهیم که با این دارو یا مانور یا عمل خوب می‌شود.

توضیح این که در طب علاوه بر داروهای اصلی ساخته‌هایی به شکل متفاوت دارویی داریم (به صورت قرص، شربت، آمپول ...) که هیچگونه مواد دارویی و

نتیجتاً اثر دارویی در آنها وجود ندارد که اصطلاحاً به آنها دارونما گفته می‌شود. چنانچه با اعتقاد به اینکه این داروها درد وی را بهبود می‌بخشند، دارو مصرف شود، در بیش از ۵۰٪ موارد درد تسکین ایجاد می‌نماید.

در بیماران سرطانی دیده شده است که علاوه بر درمان دارویی چنانچه این بیماران مورد گروه‌درمانی با تفریح، سخنرانی، فیلم و... قرار گیرند، طول عمر بیشتری در آنها مشاهده می‌شود. (کاپلان و ساووک، ۱۳۸۲) حتی در این بیماران با بررسی‌های علمی جدید دیده شده است که تغییراتی در فرمول خونی آنها در جهت دفاع بیشتر مشاهده می‌گردد.

همچنین مشاهده شده است که عده‌ای از بیماری‌ها مثل آسم و بیماری‌های قلبی با خشم بدتر می‌شوند. (کاپلان و ساووک، ۱۳۸۲) یا در بیماران افسرده بیماری‌های قلبی بیشتر مشاهده می‌شود. (کاپلان و ساووک، ۱۳۸۲).

همچنین در این‌ها پاسخ تکثیری سلول‌های T (سلول‌های مقاوم ساز بدن) کاهش نشان داده است. (وجگانی، ۱۳۸۰)

دادن دارو نماها که در بالا مورد بحث قرار گرفت به بیماران سردردی بیش از ۵۰٪ باعث بهبود سردرد آنها می‌شود و بالعکس دادن گل مصنوعی به بیماری که مبتلا به آلرژی می‌باشد در بیش از ۵۰٪ موارد باعث بروز بیماری می‌شود (مشروط به اینکه این بیماران از کیفیت کار مطلع نباشند). (کاپلان و ساووک، ۱۳۸۲)

امروزه وجود باورهای مذهبی در فرد را عاملی مؤثر بر سلامت وی در نظر می‌گیرند، در مجلات پزشکی دنیا اشاره می‌شود که داشتن باورهای مذهبی می‌تواند در کاهش مرگ‌ومیر افراد و کاستن از میزان بیماری‌های آنان مؤثر باشد. در شماره ۱۸ مجله *Annals of internal medicine* (ژانویه ۲۰۰۰) مقاله‌ای با عنوان ایمان و شفا چاپ شد که در آن مروری بر جدیدترین مطالعات انجام گرفته در

زمینه رابطه ایمان و شفا صورت گرفته است و این در حالی است که امیرمؤمنان (ع) بیش از شش بار در نهج البلاغه از قرآن به عنوان شفادهنده بیماری‌ها نام برده‌اند. خلاصه نتایج بحث فوق این می‌شود که تصمیم و اراده (ایمان) شخص در بهبودی یا بدتر شدن بیماری دخیل است. اینک برگردیم به جمله پیغمبر اکرم محمد امین (ص) که می‌فرماید: کسی که لااقل هر ماه یکبار غسل بخورد و شفایی را که قرآن از آن یاد کرده بطلبد خدا او را از ۷۷ نوع بیماری شفا می‌بخشد. پس بایستی برگردیم و کلمه ایمان و ایمان داشتن را مجدداً بررسی نماییم. سعی کنیم در ابتدا خودمان از روی ایمان حرکت نماییم و در مرحله بعد در بیماران روح ایمان را بدمیم که اسلام و قرآن چنین خواسته‌اند.

قرآن کتابی که بیش از ۱۴۰۰ سال قبل نازل شده است و تنها اختصاص به آن زمان نداشته است بلکه کلام خدای لایزال بوده و برای کل زمان‌ها و کل انسان‌های راستین می‌باشد و آیه مبارکه: ﴿يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ (آل عمران، ۷) (هیچکس به حقیقت و تأویل قرآن آشنایی ندارد جز خدا و راسخان در علم و اسلام‌شناسان واقعی) و کلام امیرالمؤمنین (ع) که همگی مسلمانان او را به عنوان پیشوای دینی خود می‌شناسند در نهج البلاغه: ﴿وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنْقَىٰ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنِي عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ﴾ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸) (همانا قرآن در ظاهر شگفت‌آور و نیکو و در باطن ژرف و بی‌پایان است و عجائب و غرائب و نکات و اسرار آن پایانی ندارد) و آیه مبارکه فوق و کلام امیرالمؤمنین مبین این نکته است که قرآن و فهم آن در گرو علم حقیقی از سوی عالمان راستین، یعنی کسانی که قرآن را خوب می‌شناسند و به آن ایمان دارند می‌باشد. پس بیایید به قرآن با چشم بصیرتر و ایمان کامل‌تر نگاه کنیم تا در زندگی راهنمایمان باشد.

نتیجه

واژه‌های شناخت خداوند، اعتقاد به قرآن و خواستار شدن شفا از این کتاب مقدس بایستی مورد بررسی جدی و عمیق‌تر قرار گیرد. به قدرت لایزال و بی‌مانند خدا پی ببریم که به قدر ایمان ما کارگشاست و به مقدس‌ترین کتاب فرستاده شده از طرف وی به عنوان راهنما در تمام اصول، اعتقاد راسخ داشته باشیم و از وی خواستار شفا و درمان گردیم که قرآن، نه یک درمانگر بلکه یک شفادهنده کامل است. چنین اعتقادی لازم است تا هر آیه آن شفا و دارویی برای همه دردها باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 1- yin
- 2- yang
- 3- Hippocrates
- 4- Placebo

فهرست منابع

- ابوالحییب، سیدعلی. طب سنتی و اسلامی، قرآن طبیب دل‌ها. شرکت تحقیقات گیاهان دارویی. بوستان یزد. www.giahdarmani.com
- این تیمیه، ابل الصییب. الکلم الطیب.
- امام نووی، الحسن الوافی، ابن قیم و الاذکار.
- جوادی آملی. قرآن در قرآن.
- رضایی، مجتبی. (۱۳۸۲). شفا و درمان با قرآن. تهران: هکپا
- صادق نویری، عبدالمجید. (۱۳۴۸). ترجمه فارسی قرآن مجید. تهران: انتشارات اقبال.
- طبرسی اول، مجمع‌البیان.
- کاپلان، ساووک. (۱۳۸۲). خلاصه روانپزشکی، ترجمه نصرت‌ال... پورافکاری. ج: ۱. تهران: شهادت - آینده‌سازان
- مثنوی مولوی.
- نهج‌البلاغه.
- زادالمعاد
- وجگانی، محمد. (۱۳۸۰). ج: ۱. چاپ ۴ - تهران: مؤسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی

شفا از منظر قرآن

یادداشت شناسه مؤلفان

دکتر محمود غلامرضا میرزایی؛ استادیار گروه مغز و اعصاب دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد.

نشانی الکترونیکی: elm@sbmu.ac.ir

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۷/۷/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۹/۴